

## جستاری در نسخه‌شناسی جنگ مرتضی قلی شاملو

فاطمه طالقانی\*

### چکیده

جنگ مرتضی قلی‌خان شاملو در زمان شاه عباس دوم در سال ۱۰۶۹ ه. ق گردآوری شده و حاوی ۱۰۸ یادداشت و شعر یادگارگونه است که مرتضی قلی‌خان و سپس عده‌ای از کاتبان و خطاطان بنا بر ذوق شعری و ادبی خود از شاعران و نویسندگان دیگر نقل کرده‌اند. این جنگ به لحاظ نسخه‌شناسی و تفاوت در رسم‌الخط و شیوه کتابت مرسوم در قرن یازدهم هجری اهمیت دارد. هم‌چنین مطالب آن شامل مباحث عرفانی و حکمی، احادیث، حکایات، پند و اندرز، مسائل هندی نجوم، پزشکی و اشعار است که به خط نستعلیق و شکسته نستعلیق نگاشته شده است.

این مجموعه دارای ۳۶ رساله‌شناس و ۶۳ اثر از نویسندگان و شاعرانی است که اسامی آنها در این جنگ ذکر شده است.

کلیدواژه: جنگ، مرتضی قلی‌خان شاملو، خط فارسی، قلم نستعلیق، قلم شکسته نستعلیق.

### مقدمه

این جنگ مجموعه‌ای است از مطالب عرفانی، حکمی، نجوم، پزشکی، احادیث، اشعار و... که مرتضی قلی و بعد از او خطاطان دیگر به مرور زمان، آثاری از شاعران و نویسندگان را در آن ضبط کرده‌اند و به نام جنگ مرتضی قلی شهرت دارد. این نوشته‌های متنوع نشان‌دهنده رسم‌الخط‌هایی است که اکثر کاتبان یا خطاطان در

\* کارشناس ارشد ادبیات دانشگاه آزاد نجف آباد اصفهان.

آن زمان یاد گرفته‌اند و در این جنگ به کار برده‌اند. البته گاهی اوقات در این خطوط و نوشته‌ها، بی‌حوصلگی‌هایی از خطاطان مشاهده می‌شود که خوش آیند نیست. اما از این حیث که ما را بر اختلاف و اشتراک‌های شیوه‌کتابت آن زمان و یا مسائل فرهنگی و سیاسی و اجتماعی آن دوره آگاه می‌کند بسیار مفید است. با توجه به این مسائل، این جنگ به خاطر تنوع رسم‌الخط تحریری، شخصیت گردآورنده آن و وضعیت تاریخی و فرهنگی دوره صفویه اهمیت دارد.

### اوضاع فرهنگی زمان صفویه

با آنکه دوران صفوی دوره مساعدی برای زبان و ادب فارسی در ایران نبود، با این حال بر اثر توجهی که در قلمرو دولت عثمانی و به وسیله امیران ترک و مغول آسیای مرکزی به ویژه همت فرمانروایان هند و فرمانگزارانشان در سرزمین شبه‌قاره به پارسی و پارسی‌گویان می‌شده، سده‌های دهم و یازدهم و دوازدهم هجری را یکی از بهترین دوره‌های رواج زبان فارسی در آسیا می‌توان دانست و طبعاً همین امر به فراوانی نوشته‌ها و سروده‌های نویسندگان و شاعران کمک شایانی کرد و باعث شد که دوران صفوی یکی از بارورترین دوره‌های تاریخ برای ادب فارسی شود (۱/ص ۴۲۲).

### شاملوها چه کسانی هستند؟

شاملوها چه در خراسان و چه در آذربایجان، با شعر و ادب و فرهنگ عهد تیموری و ایلخانی، آشنایی داشتند. بعضی از آنان که در هرات بیگلربیگی (استاندار، حاکم کل) بودند، عرصه‌های فرهنگی عمرشان را گاه به درستی می‌شناختند، خود نویسنده بودند، شعر می‌گفتند، خوش می‌نوشتند، انجمن ادبی بر پا می‌کردند، به شاعران و منشیان و خوش‌نویسان تعلق خاطر داشتند و در زمینه مجموعه‌سازی فرهنگ، بر پایه درک و دریافت نسبی خویش اهتمام می‌ورزیدند. در لابه لای اشارات و عبارات متون نشان چندین مرقع، جنگ و بیاض از سده‌های دهم هجری را می‌بینیم که می‌توان با بررسی آنها به پسرها و فرهنگ ادیبان و خوش‌نویسان آن عصر بیشتر پی برد. (۲/ص ۳۷۱)

اولین گروه از ترکمانان که به خدمت خاندان صفوی درآمد و مبدأ آنان از آسیای صغیر بوده است، شاملوها بوده‌اند. اسکندر منشی معتقد است که:

طایفه شاملو معظم طوایف قزلباش است و به قدمت و خدمت و حقوق و

جان سپاری از همه در پیش و سردفتر اویماقات (شعبه‌ای از یک ایل) قزلباش هستند و در زمان خاقان جهان‌ستان و ظهور این دولت و خاندان و اوایل جلوس همایون حضرت شاه جنت مکان افراد بزرگ و خاقان عالی شأن در میان طایفه شاملو بوده‌اند (۳/ص ۷۸).

در این میان، مرتضی قلی شاملو، متخلص به «ظفر» فرزند حسن خان شاملو، شاعر و نویسنده قرن یازدهم از امرای صفوی و حاکم هرات بوده و نزد شاه صفی صفوی از دیگر افراد حکام و عظیم‌الشأن برتری داشته است. وی در شجاعت و سخاوت و دیگر فضایل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار و در خوشنویسی از شکسته نستعلیق نویسان ماهر بوده است.

او از اعظم ایل شاملو به حساب می‌آید و به روزگار شاه صفی به علت شجاعت و مردانگی که در قلعه ایروان از او سرزد، ایشیک آقاسی دیوان (داروغه دیوان خانه) شد. در ایام نواب صاحب قران شاه عباس ثانی، پس از قتل جانی خان به مرتبه قورچی باشی‌گری (رئیس سلاح‌داران) رسید و ولایت کرمان تیول او گردید. چندی به سعایت مفسدین و به سبب عملکرد نامناسب که اعدا در محاربه قزوین قزلباش به او اسناد کردند معزول شد و مدتی منزوی بود تا شاه عباس بر سر شفقت آمد و وی را متولی آستانه منوره شاه صفی‌الدین اردبیلی - فرزند سلطان سید جبرئیل که شاهان صفوی نام و نسب خود را از او گرفته‌اند - کرد (۴/ص ۷۳؛ ۵/صص ۲۳-۲۴؛ ۶/ص ۱۱۴؛ ۷/ص ۱۱۴؛ ۸/۱۳۲۴).

آثار شاملو: الف: خطی ب: چاپی

۱. جنگ مرتضی قلی خان<sup>۱</sup>
۲. دیوان شعر: در تذکره نصرآبادی (ص ۲۳) دیوان او در بردارنده نزدیک به چهار هزار بیت ذکر شده است، اما او در این جنگ (ص ۶. هامش) شمار بیت‌های خود را قریب به بیست هزار بیت یاد می‌کند و خود را با دو تخلص «مرتضی» و «ظفر» معرفی می‌کند.
۳. ظفریه: گزیده‌ای از گوهر مراد ملا عبدالرزاق کاشانی لاهیجانی است، درباره:
- خودشناسی، خداشناسی، فرمان‌شناسی، سلوک باطن.
۴. قطعات خوش‌نویسی

## ۵. کلیات

۶. مناجات خواجه عبدالله انصاری هروری به نظم، با دیباچه‌ای به نثر که در آن از خود، مانند همه جا به مرتضی قلی، متولّی درگاه شیخ صفی اردبیلی یاد می‌کند و در آن سخنان پیرهرات را به نظم درآورده است.

۷. ترجمه و یا سامع الدعای به نظم با دیباچه‌ای به نثر.

۸. بخیه یا خرّقه: درباره بهداشت و آموزش‌های جنسی است و نام کتاب و سربندهای به کار رفته در آن از اصطلاحات متداول دوزندگان گرفته شده است.

## معرفی و مشخصات نسخه

جنگ مرتضی قلی، دومین نسخه از مجموعه نسخ ارزشمند کتابخانه مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی به شمار می‌رود که سال ۱۳۷۲ توسط باقر ترقی به کتابخانه مذکور معرفی و اهدا شد و بعد از آن احمد منزوی در مجله کلک به شماره ۴۷ و ۴۸ فهرستی از آن منتشر کرد و در سال ۱۳۸۳ نسخه برگردان آن از روی نسخه خطی شماره ۱۵۰۰ این کتابخانه به صورت فاکسیمیله چاپ شد.

به گمان احمد منزوی، جنگ مرتضی قلی، نسخه‌ای منحصر به فرد بوده است، اما نگارنده پس از پیگیری‌های فراوان در شهرهای قم، اصفهان و تهران متوجه شد که نسخه دیگری از این جنگ در کتابخانه مدرسه عالی مطهری به شماره ۲۹۳۱ موجود است.

## ویژگی‌های نسخه مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی

خط: قلم نستعلیق خوش و گاهی شکسته نستعلیق، راسته و چلیپا، سده یازدهم، جلد: تیماج مشکی زرکوب، عنوان و نشان: شنگرف و گاهی زرشکی. تعداد صفحات: ۳۵۳، تعداد سطور: یکسان نیست. اندازه روی صفحه‌ها ۳۱/۵×۱۸/۵ سانتی‌متر و بیرون صفحه‌ها ۳۸×۲۴ سانتی‌متر است. اندازه: رحلی، مالک: ناظم‌الدوله.

## ویژگی‌های نسخه کتابخانه سپهسالار (مدرسه عالی مطهری)

خط: قلم نستعلیق، راسته و چلیپا، سده یازدهم، جلد: تیماج قهوه‌ای با جدول و کمند، عنوان و نشان: شنگرف، تعداد صفحات: ۳۵۶، تعداد سطور: ۱۹ عدد، اندازه:

۲۶×۴۱/۵ سانتی متر، مالک: اعتضاد السلطنه.

### تصرفات و آسیب‌ها

نسخه موجود در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، اشعار و نوشته‌های تکراری دارد. بعضی صفحات سفید و اوراق از هم پاشیده است و قسمتی از مطالب این جنگ نامرتب و به هم ریخته است. مثلاً ادامه مطلب صفحه ۲۴۳ نسخه در صفحه ۲۳۱ و یا ادامه متن صفحه ۲۵۸ در صفحه ۲۴۳ آمده و... که این تکرار مطالب، سفید بودن صفحات، به هم ریختگی و پریشیدگی در نسخه مدرسه عالی مطهری دیده نمی‌شود و نوشته‌ها نظم خاصی دارد. اکنون بپردازیم به جزء جزء این جنگ:

۱. مقدمه از محمد صفی کتابدار (ص ۲-۶). آغاز: بسم الله مجریها و مرسیها. لالی حمد بی قیاس قادری را رواست.

۲. نامه از عبدالباقی تبریزی به میرزا ابراهیم همدانی (ص ۷-۸) نامه‌ای شخصی، ادبی که به مناسبت درباره «ابراهیم» سخن می‌گوید. آغاز: به حق بیت و به حق صاحب بیت و به حق دل شکسته.

۳. نامه از میر داماد، میر محمدباقر (د ۱۰۴۱ ق) به «یکی از فضلالی عصر خویش». در آن با عتاب می‌گوید: «سخن من فهمیدن هنر است، نه با من جدل کردن و مباحثه نام نهادن». آغاز: عزیز من، جواب است نه جنگ است، رحم الله من عرف قدره ... نهایت مرثیه بی حیایی است که نفوس معطله (ص ۸-۹).

۴. نامه از «مولانا فیض دام ظلّه» که بایستی فیض کاشانی (د ۱۰۹۱ ق) باشد. به «آخوندی فیاض دامت برکاته» که بایستی ملا عبدالرزاق فیاض لاهیجانی (د ۱۰۵۱ ق) باشد. هر چند این دعا با تاریخ کتابت (۱۰۶۹ ق) درست در نمی‌آید نخست از بیماریش می‌پرسد، و در پایان غزلی پیشکش او می‌کند. با سرآغاز: به یاد منزل سلمی بر اطلال و دمن‌گردم و در میانه مسایل عرفانی و پند و اندرز: به دست خود تفسیر بیضاوی را نوشته‌ام و یقین می‌دانم عنقریب به بهای ارزان فروخته خواهد شد. آغاز: رزقکم الله التخلی عن الصفات الناسوتیه ... مسموع شد، که مدتی در بیماری و آزار گذشته (ص ۹-۱۵).

۵. نامه که بایستی از همان فیض کاشانی (د ۱۰۹۱ ق) به ملا عبدالرزاق لاهیجانی باشد، نامه‌ای است عرفانی در سیر و سلوک، آمیخته به نظم. آغاز: بدان خدایی که دعوت وحدت او از هر صفتش هزار برهان است (ص ۱۶-۱۹).

۶. نامه از «علامی فهامی مولانا محمد محسنا به نواب مستطاب خانی» که بایستی همان فیض کاشانی باشد، چه در آن از مثنوی خود «شراب طهور» یاد می‌کند. پاسخی است به نامه کسی که نامه او حاوی غزلی بوده است که شاید مرتضی قلی خان باشد. آغاز: به سلامت و عافیت و به انجام مهمات مبارکه مفوضه موفق و مهتدی باشند (ص ۱۹-۲۰).

۷. نامه از شیخ بهایی (د ۱۰۳۰ ق) به ناشناس، که از وی به «سلطان المتألّهین» یاد می‌کند. نسخه‌هایی دیگر از این نامه در دست هست که وی را میرزا ابراهیم همدانی یاد کرده‌اند. نامه‌ای است عرفانی که سروده‌هایی از «نان و حلوا»ی خود (اندرین ویرانه پر و سوسه ... این وطن مصر و عراق و شام نیست) را در آن آورده است. آغاز:  
یا غایب عن عینی لا عن بالی... جانا سخت گرچه معما رنگ است  
(ص ۲۱-۲۶)

۸. مطایبت‌های اخلاقی (ص ۳۲-۷۲).

۹. ذکر بعضی علامت‌های حضرت مهدی (عج) و ظهور ایشان (ص ۲۶-۳۲).  
۱۰. بهرامشاهی. از میر سید علی همدانی (۷۱۳-۷۸۶ ق) درباره منازل ششگانه سفر ایشان، از صلب پدر تا بهشت یا دوزخ. آغاز: تا مهندسان کارگاه تقدیر، نقوش صور الوان بر صفحات الواح وجود (ص ۷۴-۸۱).

۱۱. ترجیع‌بند از عزتی. ترجیع:

برگشته راه غلطم، طالب غفران  
در ۶۵ بیت. در پایان آن آمده:

بی پاس ادب لب مگشا، عزتی اینجا در عین فنا باز چه اظهار وجود است  
(ص ۸۲-۸۳)

سپس قصیده از همو. آغاز: به حکمت آن که صدف را در از سحاب دهد (ص ۸۳-۸۴).

۱۲. قصیده از «میرزای صفوی». در آن «مرتضی خان» ستایش شده است. آغاز:

چه تقدیر سازم غم دلستان را به خوناب حسرت بشویم دهان را  
(ص ۸۴)

۱۳. ترکیب‌بند «من کلام شاهدالحسینی قدس سره». آغاز: بسم‌الله الرحمن الرحیم - قبضه شمشیر طلسم قدیم (ص ۸۵)، سپس قصیده از غیاثا، خواجه حسین

سنایی، شیخ ناصر، ابوالمفاخر رازی سنایی.

۱۴. عشقنامه. از شاه داعی شیرازی، نظام‌الدین محمود (۸۱۰-۸۷۰ ق) ششمین مثنوی از «سته داعی» اوست، قریب به ۱۶۸۰ بیت که در چهل سالگی، به سال ۸۵۶ ق سروده است. در مراتب عشق، در ۱۴ «سخن» آغاز:

از ازل گر گوش داری تا ابد      بشنوی از هر زبان حمد احد

(ص ۹۴-۱۰۵)

۱۵. وصف تالار: از صابر با مطلع:

شبی با خود گفتگو داشتم      بیان سخن سوی او داشتم

(۱۱۲-۱۱۳)

در میانه گوید:

بیا «صابر» از حد مبر گفتگوی      میر پیش دریای عمان سبوی

مثنوی است در ۸۰ بیت در وصف تالارخان. در پایان گوید:

از ایشان ز تاریخ کردم سؤال      به من گفت آن پیرفرخنده حال

چو دلگیر گشتی بگو این چنین      بود خانه‌ای همچو خلد برین

۱۶. ترجمه یا سامع الدعاء. به نظم از همان مرتضی قلی خان شاملو. مخمس مناجات

حضرت علی (ع) است (یا سامع الدعاء، یا رافع السماء)، در ۲۹ مخمس، به ترتیب الفبایی، از الف تا یاء که هر بیت متن را با دو بیت ترجمه گزارش گونه کرده است. با دیباچه‌ای به نثر و در آن نام خود را آورده و اینکه متولی درگاه شیخ صفی است، این مخمس را به سال ۱۰۶۸ ق سروده است. آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم - مطلع آیات کلام کریم، این مخمس ترکیبی است در مناجات. بنده درگاه... مرتضی قلی خان متولی سرکار...

یا رب بشنو دعای مظلومان را      ای کرد بلند رفعت ایوان را

(ص ۱۱۷-۱۲۱ چهار ستونی)

۱۷. ترجمه مناجات حضرت علی (ع): لک الحمد یا ذا الجود و العلی. ترجمه منظوم،

گویا از همان مرتضی قلی خان. (ص ۱۲۰-۱۲۱).

۱۸. تصحیح بوستان سعدی. کوتاه از همو. با دیباچه‌ای کوتاه به نثر و در آن می گوید

اشعاری که دال بر تشیع سعدی است بسیار است... سعدی در گذشت و بوستان او پس

از مرگ به دست سنی متعصبی گرد آمد و آن را به دلخواه خود دست برد. تا ملهم

الصواب رفع این غایله فرمود، به ترتیبی که سعدی در نظر داشته انشاء نمود. اکنون بر

همه کس لازم است که کتاب بوستان خود را حک و اصلاح و بدین ترتیب کند.  
آغاز: بر ارباب بصیرت و ذکاء مخفی و مستور نماند، که اشعار دال بر تشیع شیخ  
سعدی بیشتر از آن است که ...

یکی مشکلی برد پیش علی      که تا مشککش را کند منجلی

(ص ۱۲۶-۱۳۲ چهارستونی)

۱۹. شرح قصیده سربانی: شرح قصیده ربوییه. متن دعایی است منظوم به روایت ابن عباس که گفته شده از سوره‌ای از زبور بیرون کشیده شده، به زبان عربی در آمده است. با سرآغاز: اناالموجود. فاطلبنی تجدنی .... ترجمه شرح گونه آن از ضیاءالدین نخشی بدایونی (د ۷۵۱ ق). نسخه‌های آن با یکدیگر جدایی‌هایی دارند. نسخه در دست با «دیباچه‌ای به نثر است، در خواص جادویی خواندن این منظومه» که در آن نامی از نخشی نیامده است. سپس هر بیت از متن عربی به دو بیت ترجمه گزارش گونه‌ای آمده است. آغاز ترجمه:

منم موجود ای طالب کجایی      چرا در حضرت ما در نیایی

(ص ۱۳۲-۱۳۴ چهارستونی)

۲۰. ترجمه قصیده برده. متن از محمد بوسیری (د ۶۹۴ ق)، ترجمه از محمد شهرت حافظ شرف که در ۸۱۰ ق به فارسی در آمده است. نسخه‌های آن بسیار است. آغاز: امن تذکر جبران بذی سلم ....

ای زیاد صحبت یارانت اندرذی سلم      اشک چشم آمیخته با خون روان گشته بهم  
۲۱. ترجمه قصیده فرزذق، از عبدالرحمان جامی (۸۱۷-۸۹۸ ه. ق) با دیباچه نثری که در آن انگیزه سرودن فرزذق قصیده را آورده است. متن قصیده در ۲۰ بیت، و ترجمه شرح گونه آن در ۸۷ بیت. نسخه‌های آن بسیار است؛ آغاز:

پور عبدالملک، به نام هشام      در حرم بود، با اهالی شام  
می زد اندر طواف کعبه قدم      ...

(ص ۱۴۱-۱۴۳ چهارستونی)

۲۲. «نکته‌ای چند متعلق به ایمان» با سربندهای نانوشته: شاید «ای عزیز یا ای درویش» باشد (ص ۱۴۲-۱۷۷).

۲۳. خواص چهارده نام از خداوند (ص ۱۷۸-۱۸۱).

۲۴. فالنامه قرآنی به روایت از حضرت جعفر صادق (ص ۱۸۱-۲۰۴).



۲۵. کیفیت استخاره به روایت حضرت علی (ص ۲۰۵-۲۰۶).

۲۶. کرامیه سفرچی از روزگار شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ ق) و شاه عباس (۹۹۶-۱۰۳۸ ق) در موسیقی، چاپ شده است. در نسخه در دست نام نگارنده و کتاب مهدی الیه نیامده است. تنها از خود به «سرگشته کوی نامرادی» یاد می‌کند. گفتاری است در ۳ «اصل» و «فصل»‌هایی:

۱. دوازده مقام، ۲. شعبات، ۳. درآوازه و مقامات. سپس فصل‌هایی بی‌شماره: فصل در بیان هفده بحر اصول، در بیان شد که استادان خوانند. در کواکب معلومه دوازده بروج که هر مقامی به کدام بروج تعلق دارد. آغاز:

ای بلبل جان نغمه سرا از غم تو چون دایره، دل بی سر و پا از غم تو...  
حمد و سپاس و ستایش بی قیاس پادشاهی (ص ۲۰۶-۲۳۰).

۲۷. رساله در موسیقی. ناشناخته. در ۱۷ «فصل»: ۱. در مبادی این علم، ۲. در تقسیم دستاها و تعریف ابعاد، ۳. در بیان پرده‌ها، ۴. در معرفت آوازه‌ها که آن شش است، ۵. در معرفت آن که ابریشم چند بانگ است، ۶. در دانستن نسبت پرده‌ها با بروج، ۷. در نسبت پرده‌ها به کواکب، ۸. در نسبت پرده‌ها و استخراجش، ۹. در معرفت ایقاع اصول، ۱۰. در دانستن آن که پیش هر کس کدام پرده باید نواخت، ۱۱. آن که هر پرده را که زیادت تیزکنی و یا نرم سازی چه حاصل می‌شود، ۱۲. در معرفت سازها، ۱۳. در معرفت نواختن سازها، پرده‌ها که مناسب وقت باشد، ۱۴. در معرفت آن که پیش هر قومی کدام پرده باید نواخت، ۱۵. در دانستن آن که در شبانه روز، هر وقت کدام پرده باید نواخت، ۱۶. در نسبت پرده‌ها به اقالیم، ۱۷. در معرفت تأثیر نغمات در طبایع، ۱۸. در معرفت سماع و آنچه بدو منسوب باشد، در هفت «قسم»: ۱. تعریف حواس خمسه، ۲. تعریف سماع، ۳. آداب سماع، ۴. احکام و حقیقت سماع، ۵. وجد و وجود و مراتب آن.

آغاز: حمد و ثنا و درود و سپاس مر خداوندی را که آدمی را از جمله مخلوقات برگزید... اما بعد، بر ضمیر انوار ارباب دانش مخفی نماند که علم موسیقی (ص ۲۱۰-۲۱۴ و ۲۳۷-۲۴۱).

۲۸. تشخیص فراسخ جمیع عالم (ص ۲۱۵-۲۱۶).

۲۹. من العجایب المرموزه. خواص اشیاء است، آغاز: هر که موی سر آدمی در پیش خود دود کند، تیز حفظ شد (ص ۲۱۵-۲۱۸).

۳۰. بازنامه. از ناشناس. گزیده از رساله‌ای بزرگ‌تر است، در بازداری، تنها درمان‌ها را در بر دارد. در ۲۵ «باب»: ۱. در علاج بازی که در گلوی او خوره پیدا شود، ۲. در صفت بازی که باد گرفته باشد، ۳. در صفت بازی که تنک شود دمش، ۴. در علاج بازی که بیمار بود که پارسیان آن را اسطارم گویند، ۵. در صفت بازی که چشمش آمیخته باشد، ۱۰. در صفت بازی که کوفتی بدو رسیده باشد، ۱۵. در صفت بازی که باد رسیده باشد، ۲۰. در صفت بازی که شیج (شپش) افتاده باشد، ۲۵. در صفت بازی که پره‌های او کج بود. آغاز: منتخب از رساله بازنامه در صفت علاج باز (ص ۲۱۸-۲۲۲).

۳۱. کنز الرموز، از ناشناس که می‌گوید «این رساله‌ای است مشتمل بر خلاصه اقوال علما و حکماء» در ۱۰ «فصل» و یک «خاتمه». آغاز: حمدله، صلاه. اما بعد، این رساله‌ای است مشتمل بر خلاصه اقوال (ص ۲۷۲-۲۲۴).

۳۲. آبستنی و باه. از حکیم مظفر شفایی اصفهانی، مظفر بن محمد حسینی، از پزشکان روزگار شاه عباس یکم (۹۹۵-۱۰۳۷ ق). به نام اعتمادالدوله العلیه قاضی جهان. در یک «مقدمه» و سه «مقاله». مقدمه: در بیان آن که امر باه ضروری است. مقاله: ۱- در تشریح اعضای تناسل در ۳ «باب»، ۲- در امر باه در نه «باب»، ۳- در حبل در هفت «باب».

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم - هست اعانت ز علیم حکیم. حمد بی حد خالقی را که خلقت انسان کامل را به حکمت بالغه (ص ۲۲۴-۲۲۹ و ۲۴۲-۲۵۷).

۳۳. سلطانیه. نجم‌الدین کوکبی بخارائی. موسیقی‌دان زنده در ۹۲۸ ق که «سلطانیه» را به نام عبیدالله خان ازبک، در ۹۱۵ ق ساخته است. در دیباچه نسخه در دست، از خود و رساله و عبیدالله خان نام نبرده است؛ جز آن که همه نشانی‌ها گواه بر آن است که همان «سلطانیه» است. در ۱۲ «مقام» و یک «خاتمه». مقام ۱. در شرف علم موسیقی، ۲- در بیان معنی موسیقی و نغمتین، ۳- در تعریف نغمه، ۴- در تعریف بعد و جنس جمع و ملایمت و منافرت آنها، ۵- در بیان پرده‌های اصلی که ۱۲ است. ۶- در نسبت آوازاها و شعبات، ۷- در بیان مرکبات، ۸- در تعریف نقره، تعریف و ماهیت حروف، ۹- در تعریف ایقاع، ۱۰- در ادوارالضرب، ۱۱- در تقسیم تصنیف اضافی که به حسب اجزاء از هم ممتازند، ۱۲- اقسامی که به حسب اصول از هم جدایند. خاتمه در رعایت حالات و تعیین اوقات و تأثیر نغمات.

آغاز: حمد بی حد و ثنای بی حد حکیم کارسازی را که سازگار عشاق

(ص ۲۳-۲۳۷).

۳۴. فهرست سورت‌ها و آیت‌ها و کلمه‌ها و حرف‌ها و نقطه‌ها و سجده‌ها و ... در قرآن. از ناشناس. نخست دیپاچه‌ای است سپس جدول‌ها. (ص ۲۵۹-۲۶۴)
۳۵. پراکنده‌هایی در اختربینی، طلسم‌ها، لوح رؤیت ماه، نقشه قلعه خیبر، جدول اسماء ائمه (ص ۲۶۳-۲۷۰).
۳۶. حکم تقدیر از علی خان زنگنه بیگلربیگی آذربایجان، مورخ ۱۰۹۴ ق که بعداً به جنگ افزوده شده است (ص ۲۷۱).
۳۷. نسب‌نامه و احوال پیامبر و دوازده امام (ص ۲۷۲-۲۷۸).
۳۸. نصایح حکماء (ص ۲۸۲).
۳۹. دوایر نجومی، دایره اقالیم سبعه.
۴۰. نامه از میرزا طاهر وحید قزوینی (د ۱۱۱۲ ق) به علی خان سردار آذربایجان (شاید شیخ علی خان زنگنه)، سپس «جواب راقم حروف که از جانب نواب معزی الیه» نوشته شده است. تاریخ نوشته ۱۰۹۲ ق. در شهر گنجه است. آغاز: این قحط سال انسانیّت که بویی از گلشن آشنایی (ص ۲۹۸-۲۹۳).
۴۱. حکم جهان مطاع به صفی قلی خان متولی مشهدین و بیگلربیگی عراق عرب، درباره گذشت از تقصیر اسماعیل بیگ کلهر (ص ۲۹۳).
۴۲. منشآت، بی‌نام (ص ۲۹۴-۳۰۵).
۴۳. بحر طویل از مهری عرب، سید علی جبل عاملی، متخلص به «سید» و «مهری». شوخی و طنز است که واژه‌های فارسی را پوشش عربی داده. آغاز: بر دمن ماست بیغما همه اقمشه و امتعه الهی دو جهان (ص ۳۰۵-۳۰۸).
۴۴. بحر طویل ناشناس که شاید از شاهد نیشابوری باشد. آغاز: منشأ نشاة صهبای سخن نام کریمی است که ....
۴۵. نامه از بکان و پاسخ رستم‌داری. دو نامه معروف.
۴۶. وصف قریه دوزال از بایندربیکا. آغاز: بر سواد خوانان صحیفه دانش و تاریک بینان جداول آفرینش (ص ۳۲۵-۳۲۷).
۴۷. سنورنامه که در میان خواندگار و بندگان اشرف اقدس همایون اعلان واقع شده، به لفظ ترکی. آغاز: الحمد لله الذی جعل الصلح (ص ۳۳۱-۳۳۴).
۴۸. نامه. از میرزا محمد شفیع به میرزا حاتم وزیر قراباغ. آغاز: تا مدیر دستور

تدابیر مهمام کافه انام (ص ۳۳۵-۳۳۸).

۴۹. اختیارات الایام از مجلسی دوم، محمدباقر (د ۱۱۱۰ ق) از وی سه رساله بدین نام در دست هست، و این یکی در سه «فصل» و یک «خاتمه» است. آغاز: حمدلله، صلاه. اما بعد، چنین گوید احقر (ص ۳۳۹-۳۶۰).

۵۰. قبله. گویا از محمد مؤمن منجم که سه رساله کوتاه، برای یادگار، در «جنگ مرتضی قلی خان» به قلم خود نوشته است: ۱. بلندای اشخاص، ۲. بلندای اشخاص به اسطرلاب، ۳. قبلاً در منابع در دسترس نشانی از هیچ یک به دست نیامد. آغاز: اما معرفت تعیین قبله. پوشیده نمانده که هر شهری در طول و عرض نسبت به مکه از هشت قسم بیرون نباشد (ص ۳۷۱-۳۷۴).

۵۱. خواص ماء مبارک که عبارتند از عرق گوگرد است (ص ۳۷۵-۳۷۹).

۵۲. داستان مرموز. آغاز افتاده (ص ۳۸۰-۳۸۶).

۵۳. خواص شراب و آداب شربخواری. از علی بن عبدالواسع منشی گیلانی در ۸ «فصل»: ۱. در حرمت آن، ۲. در القاب و اسامی آن و تعریفاتی که شعراء و فضلا از آن کرده اند، ۳. در انواع و طریق ساختن اقسام آن، ۴. در آداب صحبت و اسباب مجلس آن، ۵. خواص منافع آن، ۶. فواید و منافع آن به حسب هر سن و فصل و مکان، ۷. مضرت‌های آن چون برخلاف قاعده و حکمت شرب شود، ۸. دفع مضرت‌ها و رایحه آن. آغاز: ای از می شوق تو خرد رفته ز دست ... نعمات حمد بی حد (ص ۳۸۷-۴۱۵).

۵۴. وقفنامه مستغلات اصفهان. از شاه عباس یکم (۹۹۵-۱۰۳۷ ه. ق). مورخ ۱۰۱۳ ق با گواهی گروهی: قاضی صدر جهان، اعتمادالدوله قورچی باشی، علیرضا خوشنویس، جلال منجم، غلامعلی قاضی اصفهان. وقفنامه مستغلات است در اصفهان، از آن میان جملگی کاروانسرای واقع در صدر میدان نقش جهان، در حمام شاهی و در همان حوالی، و جملگی نصف تمام از جمیع خانان و مستغلات و اراضی و باغات و جداول آنها و قنوات که در تصرف ایشان (شاه) در اصفهان و در خارج از آن و ... آنگاه محل مصرف درآمدها و کسانی که از این ثواب (درآمدها) محرومند. مانند اسماعیل میرزا و وحید میرزا و مرحوم سلطان احمد میرزا و باقی صفویه که از ایشان بی حرمتی و خیانت نسبت به خانواده پدر سرزده، و یا نسبت خود را از خاندان شکسته و ... و «چون همه کنیزان بندگان آزادند. از ایشان در این وقفنامه نام برده نشده» و همه جواهرات ایشان که به انعام گرفته، دارایی ایشان است، کسی حق مداخله ندارد. آغاز: الحمدلله

الذی وقف کل حامد فی موقف العجزاء تحمیده (ص ۴۱۶-۴۲۵).

۵۵. رقم شاه صفی به صفی قلی خان شیر علی قورچی باشی (ص ۴۲۹).

۵۶. صحت نامه. از خواجه عبدالقادر مراغه‌ای به آنچنان که برفراز نسخه آمده است. که بی تردید همان کمال‌الدین عبدالقادر بن غیبی، سده ۸ ق، نگارنده «الادوار» می باشد. که چهاربیت را به آهنگ و نوت موسیقی درآورده است:  
به حمدالله که صحت داد، ایزد دلفگاری را به عزت برگرفت از خاک افتاده خاری را  
آغاز: ای یار، ای جانم هی «به حمدالله که صحت» ای هی، صحت داد، داده‌ای  
«داد» «ایزد» زد «دلفگاری را» ای یار، ای جانم، هی کاری را آ آ آ آ آ ای آها آها همی  
دلفگاری را (ص ۴۳۹-۴۴۲).

۵۷. دیباچه بیاض. که «آقا ظهیر اسلمه الله» نوشته است، که بایستی ظهیرای تفرشی فرزند ملا مراد باشد که تا پس از ۱۱۱۱ ه. ق زنده بوده است. به نثر آمیخته به نظم. آغاز: تبارک الله احسن الخالقین، این چه لعبت موزون و پیکر همایون است، که کسبکان خوشخوان (ص ۴۴۳-۴۵۲).  
محتویات هامش (در ۲ ستون):

۱. مثنوی معنوی بندی از آن (ص ۵-۶ هامش ۱ و ۲).

۲. مطلوب کل طالب. سخنان حضرت علی و برگردان منظوم از رشیدالدین وطواط، آغاز: لو کشف الغطاو ... حال خلد و حجیم دانستم - به یقین آنچنانکه می باید (ص ۱۸-۶ هامش).

۳. نان و حلوا. از شیخ بهایی (ص ۶-۲۷ هامش ۱).

۴. جبر و اختیار. از حکیم رکناکاشانی (د ۱۰۶۶ ق). مثنوی داستانی، آغاز: داستانی دارم از خیرالبشر (ص ۱۸-۲۱ هامش ۲۱).

۵. دو حکایت منظوم (ص ۲۱-۲۶ هامش).

۶. دیوان ظفر. که همان دیوان مرتضی قلی خان شاملو است. با تخلص «ظفر» و گاهی «مرتضی» سروده‌هایی است در قالب‌های گوناگون پراکنده در «جنگ»، با دیباچه‌ای به نثر در (ص ۲۸ هامش ۱) که در آن می گوید: از کثرت صحبت با نیکان، این بی مقدار، مرتضی قلی خان شاملو، متولی آستانه شاه صفی، گاهی برای رفع دلگیری، ابیاتی به نظم درآورد، قریب بیست هزار بیت، از قصیده، غزل، ترکیب، رباعی و مثنوی گردآورده بود. گزیده‌ای از آن را در این مجموعه برای یادگار می آورم. سپس چند غزل

و دو بیتى و مثنوى. آغاز دیباچه: موزون ترین کلامى که غزل سرایان انجمن شوق. آغاز غزل: به حمد خالقى سازم، زبان خویشان گویا - آغاز مثنوى: شبى از غم چو زلف آشفته بودم. نمونه‌ای از تخلص او:

آورد «ظفر» باد صبا گردی از آن کوی صحراى دلم، دشت ختن گشته ز بویش  
(ص ۵۴ هامش و پراکنده در جنگ)

۷. پراکنده‌ها. از سیف اسفرنگ، نعمت‌الله (کرمانی)، ملامحسن فیض (کاشانی)، ملا عبدالرزاق فیاض (کاشانی)، درویش غباری، بابافغانی، غباری در ستایش شیخ صفی، مربع ترکی از فضولی، ظفر (شاملو)، صابیا، خطایی نقل از کشکول بهایی، مولوی، عطار، امیرخسرو، میرزا سلمان، خاقانی، شیخ اوحدی، قاسم بیک حالتی، قاضی نور، نظیری، مولانا شرف، بابانصیبی، حسن، اهلی، درویش دهلی، شکیبی مقصدی، ابوسعید ابوالخیر، ضمیری، غزالی، ملک قمی، باباخضر تبریزی، سید محمد جامه باف، احمد جامی، مجدالدین بغدادی، شیخ بهاء‌الدین، وطواط مکتبی، میرزا ابراهیم (ص ۱۶۴-۲۷۸).

۸. کلمات خواجه عبدالله هروی. به نظم. از همان مرتضی قلی خان شاملو، با دیباچه‌ای به نثر، که در آن از خود به مرتضی قلی متوقی درگاه شیخ صفی یاد می‌کند و سخنان خواجه هرات را به نظم درآورده و هر فقره را با یک رباعی نیز موشح کرده است. نخستین رباعی:

آنان که ترا چنان که هستی دانند      عنقا صفتانند، از نظر پنهانند  
یارب که ز لطف خویش بر من بنما      جمعی که ترا بروز و شب می‌خوانند  
آغاز دیباچه: سپاس بی‌قیاس خداوندی را سزاست ... آغاز متن: الهی این چه فضل  
است که با دوستان کرده که هر که ایشان را شناخت ترا یافت ...

الهی این چه فضل است دوستان را      طفیل راه تو سازند جهان را  
(ص ۱۷۱-۱۷۷ هامش)

۹. رباعیات گنجفیه. از اهلی شیرازی (در ۹۴۲ ق). آغاز: ای سرو سهی خاک رهت وقت خرام (من ۲۰۳-۲۰۹ و ۲۳۰-۲۳۲).

۱۰. لیلی و مجنون. از مکتبی شیرازی (د ۹۱۶) بخشی از آن است (ص ۲۳۶-۲۴۰).

۱۱. شرح حرز حضرت امام جعفر صادق (ع). از ناشناس (ص ۲۵۹-۲۶۲).

۱۲. تاریخ جلوس شاه سلطان حسین (ص ۲۷۲).

۱۳. بحر طویل. از ولی قلی شاملو مستوفی سیستان سده ۱۱ ق که به سفر حج رفته و در آنجا در گذشته است. و شاهنامه‌ای در «وقایع شاه عباس» سروده است. نخست حمد و ستایش و لعن دشمنان خاندان است. سپس حکایتی طنزآمیز به آقا کله چاق‌تور، آقا قو لونا سعادتلوا ... آغاز: افتتاح سخن آن به که کنند اهل کمالات، به نام ملک‌الملک (ص ۲۹۴-۳۰۶ هامش).

۱۴. هجو. از میرنجات صدارت پناه و به استقبال از محتشم «این چه شورش است که در خلق عالم است». آغاز:

ای صدر بی مثال که در روزگار تو کار جهان و خلق جهان در هم است  
نوشته ۱۰۹۷ ق (ص ۳۰۹-۳۱۳).

۱۵. دیباچه بیاض. ناشناخته با این سرآغاز: خرامان شو ای خامه گنج ریز به در  
سفتن الماس را دار تیز (ص ۳۲۹-۳۲۱).

۱۶. ارتفاع. از ناشناس. گویا محمد مؤمن منجم، در اندازه گیری بلندای چیزهایی که از راه‌های معمولی نتوان اندازه گرفت. آغاز: حمدله. صلاه. اما بعد، مخفی نماند که چون خواهند که مقدار ارتفاع مرتفعی از مرتفعات (ص ۳۲۸-۳۳۱ هامش).

۱۷. روضه‌المحبین: ده نامه. از ابن عماد خراسانی. حافظ علاء‌الدین محمد هروی (د ۸۰۰ ق). مثنوی است در ده نامه در بیان حالات عشق، که در ۷۹۴ ق به پایان رسانده و چاپ شده است. آغاز الحمد للخالق البرایا (ص ۳۳۱-۳۵۰).

۱۸. بلندای اشخاص: ارتفاع گویا از همان محمد مؤمن (ش ۴۸) که برای یادگار در «جنگ» به خامه خود نوشته است. در شناختن ارتفاع اشیاء از نقطه دید و طراز ساختن زمین و دیگر چیزها. آغاز: طریق ارتفاع با اسطرلاب، در ارتفاع آفتاب باید که اسطرلاب را معلق سازند (ص ۳۷۱-۳۷۴ هامش).

۱۹. نامه به فارسی از شیخ علی خان اعتماد الدوله (افشار) در پاسخ وزیر اعظم آخوندگار (عثمانی) با انشای میرزا محمد رضا مجلس نویسنده. آغاز: لوامع اشراقات خطاب صواب همایون فال و سواطع اشعه کتاب مستطاب (ص ۳۷۹).

۲۰. نامه‌ای به ترکی از غفران پناه بهادر خان قورچی باشی به نواب خان طوبی آشیان. آغاز: بوکتاب مستطاب فرخ فال ...

۲۱. پراکنده‌ها. جواب مسایل فقهی که شیخ بهایی در پاسخ نواب اشرف نوشته (ص ۴۴۳-۴۴۴). منشآت آسیب دیده. حکایت‌های کوتاه از میر شیخ حسن و دیدار

سلطان ساوجی با او (ص ۴۵۱-۴۵۲).

### طرز تنظیم جنگ

جنگ مذکور مانند نسخه‌های آرایه‌مند پاره‌ای از نگارش‌های ادبی که در مراکز دیوانی و برای دیوانیان فراهم می‌شده، مسطر خورده و مجدول است. آرایه‌های هاشم یکم و میان جدول‌ها در نخستین ورق متناظر به گونه‌ای آرایه‌بندی و تذهیب شده که بی‌گمان مذهب و آرایه‌پردازان اوراق ذهنیتی بسته به سنت معماری بقعه اردبیل می‌زیسته و به این لحاظ دو صفحه متناظر جنگ مورد بحث اهمیت فراوان دارد و پیوستگی ذهنیت نسخه‌آریان را با پدیده‌های معماری مشهودشان نشان می‌دهد.

اوراق جنگ چون آسیب دیده بوده است سه طرف بیرونی با کاغذ قهوه‌ای رنگ و طرف داخلی با کاغذ سفید رنگ و صالی شده است. جلد قبلی فرنگی‌ساز و در نوع خود جلد ممتازی است. جلدی که جنگ در آن قرار دارد قطعاً متعلق به اصل نوشته نبوده است.

ظاهراً جنگ دارای جلد نفیسی بوده است که آن را جدا ساخته‌اند و همان اوقات موجب به هم ریختگی و گم شدن تعدادی از اوراق آن شده است.

نام‌هایی که به این نسخه داده شده

این نسخه توسط باقر ترقی به عنوان جنگ به کتابخانه دایرةالمعارف اهدا شد، اما محمد صفی کتابدار که کتابت دیباچه این مجموعه را به عهده داشته است از آن به نام‌های مجموعه، جریده یا مرقع یاد می‌کند.

### نوع خطوط جنگ

به اعتبار تاریخ جنگ مذکور و صرفاً از وجه نستعلیق شکسته، تحریری در قرن ۱۱ سزاوار تأمل است. یکی از رساله‌ها به طور یک سره نویسی و تقریباً بدون نقطه و جاری از هرگونه علامت وقف، نوشته شده است. یادداشت نویس‌ها عموماً نوشته‌ها را به حد متوسط قابل خواندن کتابت کرده‌اند. ولی چند مورد به خطر ریز تر و کاملاً تحریری نوشته شده است.

در سراسر این جنگ نوشته‌های زیادی به شیوه چلیپایی کتابت شده است. خطوطی در این جنگ دیده می‌شود که به صورت قلم نسخ یا نسخ مانند و یا قلم نستعلیق است.



- از خطاطان معروفی که سال‌ها بعد در این جنگ کتابت کرده‌اند:
۱. محمد مؤمن منجم ۱۰۸۹ ق، (ص ۳۷۴)
  ۲. محمد امین ابن سید محمد قاینی ۱۰۹۴ ق، (ص ۲۹۳)
  ۳. محمد شریف ابن مقصود ۱۰۸۲ ق، (ص ۲۵۷)
  ۴. فتاح بن محمد حسین گیلانی الاصل تبریزی، ۱۰۹۷ ق (ص ۳۱۰-۳۲۵)
- اهمّ تاریخ‌هایی که به خط خطاطان است:
۱. نامه‌ای از میرزا طاهر مجلس نویس به خط محمد امین بن محمد قاینی.
  ۲. نامه‌ای از شیخ علی خان اعتمادالدوله در جواب وزیر اعظم آخوندگار به قلم میرزا محمد رضا مجلس نویس.
  ۳. نامه از بکان و پاسخ رستمداری به قلم فتاح بن محمد حسین گیلانی الاصل تبریزی.

#### غلط‌های کتابتی

برخی از غلط‌های کتابتی از این قبیل است:

- ابریغ = ابریق  
 خواموش = خاموش  
 ذورق = زورق  
 ویژگی‌های املائی:
۱. گذاشتن سه نقطه زیر حرف «س»
  ۲. گذاشتن دو نقطه زیر حرف «ی»
  ۳. یکسان نوشتن حرف «ک» و «گ»، «ج» و «چ»، «ب» و «پ»
  ۴. به عربی نوشتن بعضی اسم‌های خاص: اسمعیل، اسحق
  ۵. کشیدگی بعضی حروف: قال
  ۶. گذاشتن علامت «.:» بین دو مصراع یا دو بیت
  ۷. گذاشتن رکابه برای زود یابی مطلب، اما به صورت بسیار محدود

#### نتیجه

به نظر نگارنده آنچه در مجموعه جنگ شاملو قابل تأمل است، گذشته از بیان بسیاری

از مطالب و اشعار دست‌کاری شده به سبب تعصبات مذهبی شیعی حاکم بر آن روزگار که در برخی از موارد حتی توهین و لعن علنی نیز شده و حقیر به سبب رعایت ادب و دوری از اختلاف و حفظ وحدت از ذکر آن‌گونه مطالب خودداری می‌نمایم، لیکن از شخصیت و هنرمندی مرتضی قلی خان که صاحب سیف و قلم بوده نمی‌توان گذشت؛ به ویژه در غزلسرایی با آنکه در دوره صفوی چندان بازار و رونقی نداشته اما در نوع خود از تازگی خاصی برخوردار بوده است؛ اگرچه در بسیاری از اشعارش تقلید از بزرگانی چون حافظ، نظامی، مولانا و ... نموده که در پایان نمونه‌هایی از آن را ذکر می‌کنیم.

- باده در پیمانه کردی عاقبت      عقل را دیوانه کردی عاقبت  
- جام می ز ساقی دورانم آرزوست      کاو خضر ره که چشمه حیوانم آرزوست  
- دمی که جام وصال شود حواله ما      برابر است به عمر هزار ساله ما  
- به خاک سینه ما تا نسیم درد وزید      شکفته شد گل نسرین ز داغ لاله ما

و آخر کلام اینکه مرتضی قلی خان شاملو نیز چون هر عاشق دل سوخته دیگر، چنانچه در اشعارش پیداست، دلش لبریز از شوق وصال و چشمش به راه معبودی است که سر تاسر وجودش غرق نور است و صفای قدمش از جنس بلور، دلش در انتظار ظهور می‌تپد و بی‌پروا می‌گوید:

آرزوی مهدی آخر زمان دارد دلم      همچو بلبل ناله بهر گلستان دارد دلم  
تا کنم جان را نثار مقدم آن شاه دین      روح در پرواز سیر لامکان دارد دلم  
صوقت آن آمد که از عارض براندازد نقاب      این خبر از گردش هفت آسمان دارد دلم  
(ص ۶۲-هامش)

و تا پایان عمر هم کاسه سر خود را پر ز صدای عشق می‌داند و لبش با این بیت مترنم می‌شود که:

چه نغمه بود ندانم نواخت مطرب عشق      که کاسه سر ما خاک گشت و پرز صداست

#### پی‌نوشت‌ها

۱. این اثر که به جنگ مرتضی قلی شاملو شهرت دارد به صورت نسخه خطی در کتابخانه مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی به شماره ۱۵۰۰ و در کتابخانه سیهسالار به شماره ۲۹۳۱ موجود است. نگارنده با فراهم آوردن این دو نسخه در حال مقابله و تصحیح آن است.

## منابع

- صفا، ذبیح‌اله، تاریخ ادبیات ایران، ج ۵، تهران، فردوس، ۱۳۶۹.
- مایل هروی، نجیب، «نسخه برگردان جنگ شاملو»، نامه بهارستان، سال پنجم، شماره اول و دوم، دفتر ۷ و ۹، بهار و زمستان ۱۳۸۳.
- یوسف جمالی، محمدکریم، تشکیل دولت صفوی، اصفهان، امیرکبیر، ۱۳۷۲.
- صبا، محمدظفر حسین بن محمد یوسف علی، تذکره روز روشن، تهران، کتابخانه رازی، ۱۳۴۳.
- نصرآبادی، میرزا محمد طاهر، تذکره نصرآبادی، تصحیح وحید دستگردی، تهران، کتابفروشی فروغی، ۱۳۶۱.
- خیام پور. ع، فرهنگ سخنوران، تهران، طلایه، ۱۳۴۰.
- هدایت، رضاقلی خان، مجمع الفصحا، به کوشش مظاهر مصفا، ج ۱، تهران، پیروز، ۱۳۶۳.
- هدایت، محمود، گلزار جاویدان، ج ۳، تهران، زیبا، ۱۳۵۳.

